

آینده صنعت ملی نفت ایران

شاد باش سال نو میلادی

هیأت تحریریه «نامه مردم» فرا رسیدن سال ۲۰۰۷ میلادی را به همه هم میهنان مسیحی از صمیم قلب تبریک می گوید و شادکامی و بهروزی برای آنان آرزومندست. باشد که سال ۲۰۰۷، که در وضعیت نگران کننده ادامه جنگ و درگیری در منطقه ما آغاز شده است، سال تحقق آرمان های انسانی صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، سال پایان تبعیضات مذهبی و ملی و سال رهایی میهن و مردم ما از چنگال استبداد قرون وسطایی حاکم باشد.

صنعت ملی نفت ایران یکی از نمادهای استقلال، حاکمیت و اقتدار ملی کشور ماست که در اثر مبارزات قهرمانانه مردم به دست آمده است و در حال حاضر مهم ترین صنعت راهبردی ایران محسوب می شود و نقش آن در سرنوشت کشور انکار ناپذیر است، و با روی کار آمدن دولت ارتجاع و به موازات آن تدوین سیاست هایی در راستای خصوصی سازی گسترده صنایع نفت و گاز در معرض چالش های جدی و بسیار اساسی قرار گرفته اند. طرح های گوناگونی از دوران ریاست جمهوری خاتمی تدوین و ارایه شده است که ناظر بر خصوصی سازی صنعت نفت ایران است. اکنون این مسئله یکی از جدی ترین مسایل مطرح در میان مسئولان رژیم ولایت فقیه است و راهکارهای معینی در



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۵۵، دوره هشتم

سال بیستم، ۱۶ دی ماه ۱۳۸۵

ادامه در صفحه ۴

ضرورت تشکل های مستقل صنفی

برای تامین امنیت شغلی زحمتکشان

در هفته های گذشته به موازات ارایه پیش نویس دوم اصلاح قانون کار توسط وزارت کار و امور اجتماعی، و بحث های جدی در باره تاثیر مخرب آن بر زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، ارتجاع حاکم با مانورهای فریب کارانه همچون واگذاری سهام کارخانه ها و واحدهای تولیدی به صورت تدریجی به کارگران کوشید مانع از گسترش موج جنبش اعتراضی بر ضد اصلاح قانون کار شود. به علاوه وزارت کار دولت برگمارده ارتجاع ادعا کرده است، با سیاست های "دقیق" خود، بحران نزدیک به ۵۰۰ واحد تولیدی را حل کرده و مقدمات ایجاد ۲۷۰ هزار فرصت شغلی جدید را تا پایان سال جاری فراهم ساخته است!

در این خصوص معاون تنظیم کار وزیر کار در جریان یک نشست خبری در شهر تبریز از جمله اعلام کرد: "از ۵۰۰ واحد تولیدی رفع بحران شده و تا به حال هشت دهم درصد از نرخ بیکاری کاسته ایم و تشکل های کارگری و کارفرمایی رشدی ۲۰ درصدی در سال جاری داشته اند." این ادعاها که به گزافه گویی های بی پشتوانه بیشتر شبیه هستند تا به مواضع مقامات مسئول و مطلع، در مقایسه با آمار و ارقام موجود، محتوی واقعی و عیار درستی مواضع و عملکرد وزارت کار را آشکار می سازد.

در پاسخ به چنین ادعاهای خلاف واقعیت یکی از نمایندگان کارگران در شهر همدان به خبرنگاری ایلنا گفت: "در شهر ما واحدهای بسیاری همچنان در حال رکود و تعطیلی هستند و کارگران سرگردان از معاون وزیرکار تقاضا داریم که آمار

ادامه در صفحه ۳

سیاست های خطرناک و مخرب ارتجاع و امپریالیسم در منطقه

تأملی بر قطعنامه شورای امنیت و منافع ملی ایران

سران رژیم ولایت فقیه و خصوصا رئیس جمهور برگمارده آن منافع ملی میهن ما را با خطرات جدی روبه رو کرده است.

تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد ایران گام مهم نخست در تشدید برخوردهایی است که اگر به موقع جلوی آن گرفته نشود می تواند به دشواری ها و مشکلات جدی برای میهن ما منجر شود.

قطعنامه شماره ۱۷۳۷، شورای امنیت سازمان ملل متحد، به جمهوری اسلامی هشدار می دهد که در صورت تعلیق نکردن غنی سازی اورانیوم، شورای امنیت بر اساس اصل ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به تصمیم گیری عاجل بر ضد ایران دست خواهد زد. بر پایه این قطعنامه کشورهای جهان ملزم شده اند از تامین مواد و فن آوری های ویژه ای که می تواند در برنامه

ادامه در صفحه ۶

اوضاع منطقه خاورمیانه هر روز رو به وخامت بیشتری می رود. ادامه تنش ها و درگیری ها در فلسطین، به دلیل سیاست های ضد انسانی دولت اسرائیل و ادامه اشغال سرزمین های عربی توسط این کشور، در کنار تشدید وخامت اوضاع در عراق و افغانستان، که هر دو در اشغال نظامی امپریالیسم آمریکا قرار دارند، در مجموع وضعیت خطرناکی را در منطقه پدید آورده است. رانده شدن وضعیت عراق به سوی یک جنگ داخلی تمام عیار و تأثیرات آن بر اوضاع کشور مایبی شک نمی تواند نگرانی نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را به همراه نداشته باشد. ادامه سیاست جنگ طلبانه و مداخله جویانه امپریالیسم آمریکا در منطقه، با وجود همه فشارهای داخلی بر دولت بوش برای تغییر سیاست آن، در کنار اتخاذ سیاست تشنج زای تبلیغاتی از سوی

اتحادیه های کارگری عراق و کنترل شرکت های خارجی بر صنایع نفت

برقرار باد اتحاد میان جبهه انقلابی و جبهه مردمی، بر ضد ارتجاع در بولیوی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"



اتحادیه های کارگری عراق، کنترل شرکت های خارجی بر صنایع نفت را نمی پذیرند

رهبان جنبش کارگری عراق، از برنامه دولت برای سپردن کنترل تولید نفت کشور به شرکت های فرا ملی انتقاد کردند. رهبان ۵ فدراسیون سندیکائی عراق - نماینده صد ها هزار کارگر - طی نشست در ۲۳ آذرماه (۱۴ دسامبر) در شهر امان (اردن)، خواهان بازنگری اساسی در قانون نفت شدند که در آینده نزدیک به تصویب خواهد رسید. بر طبق این قانون سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت آزاد خواهد بود. انتظار می رود که طرح قانون مربوطه از طرف کمیسیون دولتی برای تصویب در هفته های آینده به مجلس ارائه شود. در نشست امان مقامات بلند پایه "فدراسیون عمومی کارگران عراقی"، "فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت"، "فدراسیون شورا ها و اتحادیه های کارگری عراق"، "اتحادیه عمومی سندیکاهای کارگران کردستان" و "اتحادیه سندیکاهای کارگران کردستان عراق" شرکت داشتند. این نشست توسط مرکز همبستگی "فدراسیون آمریکائی کار و کنگره جمعیت های صنعتی" (AFL-CIO) سازمان داده شده بود. مخالفت اتحادیه های کارگری قدرتمند عراق دولت آمریکا را که بی صبرانه در انتظار تصویب قانون تا پایان سال جاری میلادی (۲۰۰۶) است به وحشت خواهد انداخت.

از تابستان ۲۰۰۶، مقامات آمریکائی خواهان تصویب قانون نفت بوده اند. سرمایه گذاری خارجی در صنایع نفت عراق طبق این قانون آزاد خواهد بود. "گروه مطالعه عراق"، به رهبری بیکر-هامیلتون، نیز در گزارش خود در آذر ماه چنین خواسته ای را مطرح کرده است. به عنوان مثال، در ماه اکتبر، زالمائی خلیل زاد، سفیر آمریکا در عراق، و ژنرال جرج کیسی، فرمانده ارتش آمریکا در عراق، تصویب این قانون را یکی از "دستاوردهای برجسته ی" مسیری دانستند که آنان دولت عراق را برای در پیش گرفتن آن تحت فشار قرار داده اند. کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه و سام بادمن وزیر انرژی نیز خواهان تصویب این قانون شدند. گزارش "گروه مطالعه عراق" توصیه کرد که دولت آمریکا تدوین قانون نفت را پیشنهاد و شرکت های بین المللی نفتی را برای سرمایه گذاری تشویق کند. گزارش هم چنین می خواهد تا ارائه نفت با نرخ یارانه ای به مردم عراق پایان یابد.

رهبان کارگری نقش عمده و پررنگ شرکت های خارجی را در تهیه پیش نویس این قانون مورد انتقاد قرار دادند. در پیش نویس آمده است که تا دو سوم ذخایر شناخته

شده عراقی از طرف شرکت های بین المللی تحت قراردادهای ۱۵ تا ۲۰ ساله استخراج خواهد شد (به نام "توافق تقسیم تولید"). این سیاست تغییر عمده ای برای صنایع نفت عراق خواهد بود - که بیش از سه دهه در مالکیت عمومی بوده است - و از روال عادی در خاورمیانه و بین همسایگان عراق دور خواهد افتاد.

اتحادیه های کارگری در یک بیانیه مشترک "سپردن کنترل نفت به شرکت های خارجی، که تنها هدفشان بردن سود کلان به خرج جیب مردم عراق و چپاول ثروت ملی است، و طبق قرار دادهای نابرابر حق حاکمیت و هویت ملی مردم عراق را نادیده می گیرد" را رد کردند. در بیانیه آمده است که این "خط قرمز" است که نمی توان از آن عبور کرد. ترجمه انگلیسی بیانیه در شبکه WWW.CARBONWEB.ORG در دسترس است. آنها همچنین از اینکه اتحادیه های کارگری را در روند تهیه پیش نویس دخالتی نداده اند معترض اند و خواهان تاخیر در تصویب قانون، برای مشاوره و نظرخواهی مناسب شدند. آنها گفتند: "مردم عراق اجازه نخواهد داد تا برای آینده نفت پشت درهای بسته تصمیم گرفته شود."

حسن جمعه، رئیس "فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت" گفت: "این قانون اشکالات بسیاری دارد. بدون مشاوره با متخصصان عراقی، جامعه مدنی عراق و یا اتحادیه های کارگری تهیه شده است. ما این پیش نویس را رد می کنیم و خواهان زمان بیشتری جهت بحث در باره آن هستیم."

عدنان صفر، عضو کمیسیون اجرائی "فدراسیون عمومی کارگران عراقی" گفت: "در این قانون منافع ملی عراق پایمال شده است، زیرا قوانین سرمایه گذاری خارجی اجازه می دهد تا ثروت نفتی عراق غارت شود. این قرارداد که موافقتنامه های طولانی مدت تری را مجاز خواهد کرد، بیشتر به نفع سرمایه گذاران خارجی است تا کارگران عراقی، و بر حق حاکمیت و استقلال ملی عراق تاثیر منفی خواهد گذاشت."

به نقل از نشریه "دنیای هفتگی مردم" مورخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶



مسئله قراردادهای موقت که با تامین امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران گره خورده است، از زمره مشکلات اصلی مزد بگیران به شمار می آید و لغو آن به معنای گام بزرگ و اساسی در راه تامین امنیت شغلی حقوق بگیران است.

با توجه به آمار رسمی هم اکنون ۶۵ درصد کل کارگران کشور به صورت قراردادی و بدون دریافت هیچ گونه مزایایی مشغول به کار هستند. لذا مبارزه برای لغو این نوع قرار دادهای که در رواج آن سیاست های تأیید آمیز خانه کارگر در دوران دولت رفسنجانی نقش اساسی داشت، از اولویت هایی است که نهادهای ارگان های وابسته به رژیم می کوشند به سود خود از آن بهره برداری کنند.

تبلیغات پیرامون طرح بهسازی قراردادهای موقت که به وسیله دبیرکل خانه کارگر ارایه شده دقیقاً در این جهت و به سود چنین مقاصدی است. پرسش اساسی این است که چگونه بدون وجود و حضور تشکل های مستقل صنفی، یعنی سندیکاهای واقعی کارگری، و در شرایط فشار ارتجاع برای اصلاح قانون کار به سود تامین امنیت سرمایه، می توان در انتظار اقدام انقلابی مجلس بود. مگر در کمیسیون صنایع همین مجلس و در برابر دیدگان دبیرکل خانه کارگر و عناصری نظیر او، طرح رفع موانع تولید و سرمایه گذاری - که اصلاح قانون کار بخش اساسی آن را تشکیل می دهد - در جریان نیست و زمره های تصویب آن به گوش نمی رسد؟! انتظار از مجلس ارتجاع، انتظار بیهوده ای است. اصولاً تامین امنیت شغلی زحمتکشان بدون حضور و فعالیت سندیکاهای کارگری دست یافتنی نیست. با توجه به سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه و سیاست راهبردی خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی زندگی و منافع کارگران، یگانه اقدام انقلابی و به جا تقویت و احیاء و ایجاد سندیکاهای کارگری بر پایه منشور جهانی حقوق سندیکایی و پایبندی به مقاله نامه های شناخته شده سازمان بین المللی کار در خصوص حق تشکل زحمتکشان است.

با احیاء حقوق سندیکایی کارگران و زحمتکشان می توان به نحوی موثر و با اتکاء به نیروی متحد کارگران برای تامین امنیت شغلی به عنوان خواستی بنیادین مبارزه کرد. بدون مشارکت و مداخله زحمتکشان در اموری که به حقوق و منافع آنان باز می گردد چگونه می توان از تامین امنیت شغلی سخن به میان آورد؟! بر پایه منشور جهانی حقوق سندیکایی، کارگران به وسیله سازمان های سندیکایی خود حق دارند در تمام مسائلی که مستقیم و یا غیرمستقیم به کارگران مربوط می شود، به خصوص در تنظیم قوانین و آئین نامه ها، طرف مشورت و نظر خواهی قرار گیرند. فقط به این ترتیب و با رعایت چنین معیارهایی می توان و باید از مبارزه در راه حقوق زحمتکشان به ویژه تامین امنیت شغلی آنان سخن گفت.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما بیش از هر زمان دیگری به اهمیت تشکل و وجود سندیکاهای کارگری پی برده و در راه آن مبارزه می کنند. استفاده از روش های گوناگون، شیوه های متنوع و بهره گیری از همه امکانات، هر چند کوچک، در این مبارزه ضروری است زیرا تنها و تنها با احیاء حقوق سندیکایی، ایجاد و احیاء سندیکاهای واقعی و مستقل است که می توان در راه تامین امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان گام های موثر و جدی به پیش برداشت!

ادامه تشکل های مستقل صنفی ...

واحد های رفع بحران شده را به تفکیک استانی اعلام نمایند تا ما هم در جریان باشیم.

همچنین یکی از نمایندگان کارگران خوزستان با رد ادعاهای وزارت کار و بطور کلی دولت احمدی نژاد خاطر نشان ساخت: "کارگران انتظار دارند مسئولان بر اساس آمار واقعی صحبت کنند آنچه معاون وزیر در جریان اشتغال ایجاد شده اعلام کرده آمار روی کاغذ است و ما هنوز آثار عملی این سیاست ها را مشاهده نکرده ایم. صرف پرداخت تسهیلات، نمی تواند دلیل بر ایجاد اشتغال باشد و اگر اشتغالی ایجاد شده، با آمار و ارقام و سند اعلام کنند. دولت اگر واقعا به دنبال اشتغال پایدار است، بهتر بود این تسهیلات را به واحد های بحران زده تولیدی تزریق می کرد تا اشتغال موجود حفظ گردد. در استان خوزستان ظرف ۶-۷ سال گذشته حداقل ۲۰ واحد مشکل دار و بحران زده دارد و با توجه به مکاتبات فراوان، آنچه به عینه دیدیم، تعطیلی کارخانه ها بود و بلا تکلیفی کارگران، حالا هم وزارت کار اعلام نماید که کدام واحد صنعتی را و در کدام منطقه ایران نجات داده و اکنون وضعیت این واحدها چگونه است، چرا بحران دو واحد تولیدی بسیار با اهمیت مانند کاغذ سازی کارون و قند دزفول حل نشده؟ آیا خوزستان به عنوان یک مرکز صنعتی کشور در لیست حل بحران دولت نیست؟!"

و اما جالب تر موضع گیری برخی تشکل های کارفرمایی است که آنها نیز به سبب سیاست دولت مورد حمله و یورش واقع شده و برخی غیر قانونی اعلام گردیده اند. این امر چندی پیش و در اوج درگیری وزارت کار و کانون عالی کار فرمایی افشاء شد. آنچه وزارت کار به عنوان رفع بحران ۵۰۰ واحد تولیدی اعلام کرده است، پرداخت بخشی از وام های مربوط به واحدهای تولیدی است که دولت در بخشنامه ای تحت عنوان استمهال وام های دریافتی صادر کرده. در واقع مطابق این بخشنامه استمهال (استمهال به معنای زمان خواستن، مهلت خواستن) وام های دریافتی به مفهوم رفع بحران نیست و با پایان یافتن زمان مقرر، واحدها دوباره با بحران پرداخت مواجه خواهند شد.

به این ترتیب ما با یک فریب کاری زشت و آشکار که هدف های معینی را دنبال می کند روبرو هستیم. این ترفند و نیرنگ برای فریب کارگران و زحمتکشان صورت می گیرد تا آماج اصلی مرتجعان حاکم، یعنی اصلاح قانون کار، به زیان زحمتکشان و به سود کلان سرمایه داران بدون برخورد با مانع یا موانع جدی جامه عمل به خود ببوید.

بی جهت نیست که زمره پایان کار بررسی و تصویب طرح رفع موانع تولید در کمیسیون صنایع مجلس هفتم به گوش می رسد.

یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس به تاریخ ۴ دی ماه امسال به خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در این باره یادآوری کرد: "اعتراض و تجمع راهکار مناسبی نیست چنانچه طرح رفع موانع تولید و سرمایه گذاری که در آن بحث اصلاح قانون کار نیز مطرح است، به تصویب شورای نگهبان برسد در حکم قانون بوده و قابلیت اجرایی خواهد داشت..." از دیگر سو عضو کمیسیون صنایع و معاون مجلس نیز درباره اهمیت اصلاح قانون کار که در چارچوب ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه صورت می گیرد، با صراحت تأکید کرد: "اظهارات وزیر کار در خصوص ساماندهی کارگران قراردادی که از طریق اصلاح قانون کار قابل تحقق است ما در طرح رفع موانع تولید و سرمایه گذاری و در بحث اصلاح قانون کار، قراردادهای موقت را هم در نظر داریم."

همزمان با پایان کار کمیسیون صنایع مجلس و تصویب قریب الوقوع طرح رفع موانع تولید در مجلس هفتم موضوع قراردادهای موقت که اینک چون یوغی برگردن زحمتکشان قرارداد و مبارزه برای لغو آن در میان صفوف طبقه کارگر از اولویت برخوردار است باردیگر باحاررات طرح گردیده است. حسن صادقی معاون دبیرکل خانه کارگر وابسته به رژیم با توجه به پایان زمان مسکوت ماندن طرح بهسازی قراردادهای موقت و ساماندهی شرکت های خدماتی در مجلس به خبرنگاران ایلنا اعلام داشت: "زمان آن فرا رسیده است که مجلس شورای اسلامی با طرح مجدد بهسازی قراردادهای موقت و تصویب آن عیدی بزرگ به نام امنیت شغلی کارگران به شاغلان بخش صنعت و خدمات اعطا کند، منتظر اقدام ابلاغی مجلس هفتم هستیم."

شش ماه پیش مجلس رای به مسکوت ماندن طرح بهسازی قرار دادهای موقت داد تا دولت لایحه ای جامع و کامل در این باره ارایه کند.

ادامه آینده صنعت ملی ...

این خصوص از سوی جناح های مختلف ارایه می گردد. در این خصوص چندی پیش اولین کنفرانس تامین مالی پروژه های صنعت نفت در تهران برگزار شد. روزنامه دنیای اقتصاد، یکشنبه ۱۹ آذر ماه، گزارش نسبتاً مفصلی از این کنفرانس را منتشر ساخت و از جمله چنین نوشت: "جست و جوی استراتژی برای توسعه صنعت ملی نفت، کنفرانس تامین مالی پروژه های صنعت نفت دیروز با حضور گسترده مسئولان کشوری، دست اندرکاران صنعت نفت و کارشناسان نفتی کشورمان در محل مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد..." این کنفرانس که اولین کنفرانس با موضوع تامین مالی پروژه های صنعت نفت است در حالی برگزار می شود که صنعت نفت ایران وزیر شاخه های آن از جمله صنعت گاز و صنایع پتروشیمی و همچنین صنایع پایین دستی نفت با برنامه ریزی های وسیعی که جهت رشد و توسعه دارد، نیازمند سرمایه کلان چه در بعد ارزی و چه در بعد مالی است که مسلماً تامین آن مستلزم چاره اندیشی گسترده ای است."

سپس در ادامه این گزارش، به طور فشرده نقطه نظرات برخی مسئولان بلند پایه رژیم مانند حسن روحانی، محسن یحوی رییس کمیسیون انرژی مجلس، طهماسب مظاهری وزیر اسبق اقتصاد و مدیر عامل فعلی بانک توسعه صادرات ایران، محمد باقر نو بخت معاون پژوهش های اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت، و اکبر ترکان مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس با زتاب یافته است. این مواضع به نوبه خود واقعیت برنامه های رژیم ولایت فقیه در مورد آینده صنعت نفت به ویژه پس از ابلاغیه بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی، را آشکار می سازد و باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

حسن روحانی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و رییس کنونی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، در این کنفرانس متذکر شد: "نفت برای کشور ما هم قدرت سیاسی، هم اقتصادی و هم امنیتی محسوب می شود... باید بپذیریم که به سرمایه خارجی نیاز داریم چرا که سرمایه داخلی گران است با بهره بسیار بالا، در حالی که ما سرمایه ای ارزان، کم بهره و با امنیت بالا نیاز داریم. تا زمانی که استراتژی ما مشخص نشود، در مسیر طی کردن راه دچار تردید و تغییر می شویم و هیچ چیز در پروژه های بزرگ ملی بدتر از تردید و تغییر نیست، ارتقاء بازار سرمایه یکی از لوازم و الزامات دستیابی به توسعه اقتصادی است و تامین مالی موتور محرک توسعه اقتصادی برای همه پروژه های مهم به ویژه صنعتی مانند نفت و گاز و پتروشیمی است." روحانی سپس افزود: "تامین مالی پروژه های تنظیم نفت و گاز در صورتی که بخواهیم حضور فعال تری در بازار داشته باشیم یک شرط اساسی است. متأسفانه در کشور ما پروژه های مهم نفت و گاز معمولاً از طریق فایناس یا بیع متقابل عمل می شود و کمتر سراغ راه های دیگر رفته ایم، حال آنکه برای دستیابی به منابع لازم ممکن است راه های فراوانی باشد. توسعه دارای قانون و روند مخصوص به خود است و ما نمی توانیم از این مقررات فرار کنیم." در تکمیل موضع گیری حسن روحانی باید به سخنان مظاهری توجه کرد وی اعلام داشت: "افق اصل ۴۴ ساختار تولید ثروت باید مبنای سرمایه گذاری و تامین منابع مالی باشد. در ابلاغیه اصل ۴۴ دو بخش اصلی بود که دیرتر به جمع بندی رسید، آن دو بخش صنعت نفت و بانک بود، در صنعت نفت ذخایر موجود، ارزش ذاتی خود را دارد. اما سرمایه گذاری روی این ذخایر و ایجاد ارزش افزوده در آن می تواند در آنها سهم شود و به این اساس، دولت نقش منابع خود را در سرمایه گذاری ها کمتر



می کند و حضور بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی برای توسعه اقتصادی پررنگ تر می شود، جهت گیری و مسیر ما می تواند به این سمت باشد که نقش سرمایه بخش خصوصی و حضور همه جانبه آن افزایش یابد. حضور سرمایه گذاران خارجی در تامین مالی پروژه ها بسیار حائز اهمیت و لازم است."

جذب سرمایه، تامین امنیت سرمایه مطابق با دستورات

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، ستون فقرات سیاست های راهبردی رژیم ولایت فقیه محسوب می شود و اینکه این امر به صنعت ملی نفت ایران تسری یافته و بحث بر سر چگونگی خصوصی سازی صنایع نفت و گاز است.

بی جهت نیست که محسن یحوی رییس کمیسیون انرژی مجلس همانند روحانی و وزیر اسبق اقتصاد و دارایی خواستار خصوصی سازی صنعت نفت می شود و خاطر نشان می سازد: "باید زمینه مناسب برای جذب سرمایه ها به وجود آید. در یک سال اخیر یک نگرش جدید در سرمایه گذاری هایمان در دولت به وجود آمده است و آن تعیین و تفهیم اصل ۴۴ قانون اساسی است. با این نگرش نقش دولت به عنوان تصدی گری، حذف و سرمایه گذاری ها در پروژه ها را کلاً به بخش خصوصی واگذار کرده است. اولین شرط حضور بخش خصوصی در صنعت نفت ایجاد امنیت برای سرمایه گذار است، اگر به راهکار مناسب برای جذب سرمایه گذاری در صنعت نفت برسیم، این مسئله قابل تسری در سایر بخش ها نیز خواهد بود."

همان طور که پیدا است، تمام فغان و فریادها در خصوص تامین مالی پروژه های صنعت نفت، به معنای خصوصی سازی و اجرای پیگیری آن است. جمهوری اسلامی هم اکنون با توجه به سیاست های ماجرا جو یوانه دولت بر گمارده ارتجاع و رشته رخ دادهای منطقه ای، در زمینه افزایش تولید و صدور نفت، با توجه به تضعیف توان علمی و فنی کشور در سالیان اخیر، با دشواری های معینی روبروست. رییس کمیسیون انرژی مجلس در اولین کنفرانس تامین مالی پروژه های نفت با صراحت اعلام کرد که، ایران در حال حاضر با سالانه ۲۵۰ هزار بشکه کاهش در برداشت مخازن مواجه است و این در حالی است که به گفته کارشناسان در همین کنفرانس، ۸۰ درصد توان اقتصادی کشور وابسته به نفت و درآمدهای حاصل از آن است!

با توجه به ضعف و نا کارآمدی رژیم ولایت فقیه در این زمینه، بسیاری از شرکت های نفتی و انحصارهای فراملی برای همکاری با جمهوری اسلامی شروط مشخصی از جمله مشارکت در تولید و سهم از مالکیت را خواستار شده اند. انحصارهای فراملی نظیر شل، بریتیش پترولیوم، توتال و جز اینها با صراحت مواضع خود را برای سرمایه

ادامه آینده صنعت ملی ...

گذاری در صنایع نفت و گاز به اطلاع مسئولان ذی ربط در جمهوری اسلامی رسانده اند. در این باره مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس در حاشیه کنفرانس تامین مالی تاکید کرد: «اعمال فشارها بر کشور آغاز شده (مسئله تحریم توسط شورای امنیت) که نمونه آن متوقف کردن پرداخت های بانک های خارجی و نپذیرفتن ال.سی از ایران است. باید برای جذب سرمایه خارجی در صنعت نفت روش های نو طراحی کرد، فعلا قراردادهای بیع متقابل مرسوم است.» از دیگر سو قائم مقام سابق شرکت ملی نفت ایران اعتراف می کند که، بسیاری از مسئولان حکومتی با توجه به خواست شرکت های خارجی خواستار اجرای قرار داد مشارکت در تولید هستند.

قرارداد مشارکت در تولید به این معناست که انحصار های فراملی در تمامی میادین نفتی شریک و سهام می شوند. مشارکت در تولید، میادین و ذخائر نفت و گاز کشور را رسماً و به طور عملی خصوصی کرده و چیزی از صنعت ملی نفت باقی نخواهد گذارد. در این باره، پیش از برگزاری اولین کنفرانس تامین مالی پروژه های صنعت نفت ایران در تهران، یک کنفرانس بسیار مهم در انگلستان برگزار شد. کنفرانس دو روزه تخصصی موسسه چتم هاوس با عنوان «سرمایه گذاری در منابع نفت و گاز خاورمیانه» به مسایل انرژی سه کشور ایران، عربستان و عراق به صورت مجزا و خاص پرداخت و به تجزیه و تحلیل آن نشست.

پایگاه خبری انگلستان، بی.بی.سی، ۱۶ آبان ماه، در باره این کنفرانس گزارش داد: «در این کنفرانس کاهش میزان سرمایه گذاری خارجی در طرح های استخراج نفت ایران مورد بررسی قرار گرفت. ایران در صورت اعمال تحریم از سوی شورای امنیت با شرایط دشوار روبرو خواهد شد. ایران با در اختیار داشتن ۱۳۰ تا ۱۳۷ میلیارد بشکه نفت خام بعد از عربستان سعودی در مقام دوم جهان قرار دارد. این رقم افزون بر ۱۱٪ ذخایر مجموع دنیا به شمار می رود. حال آنکه ایران با تولید ۴ میلیون بشکه نفت در روز تنها ۴٪ از تولید نفت دنیا را در اختیار دارد. در صورت ادامه شرایط مقابله و عدم حصول توافق با ایران پیرامون مسئله هسته ای و مسایل امنیت منطقه، هیچ یک از طرح های توسعه منابع انرژی ایران به موقع به اجرا در نخواهد آمد.»

درست از این زاویه و فشار روز افزون امپریالیسم و ضعف و ناکارآمدی دولت احمدی نژاد است که مسئله سهم شدن در میادین نفت و برنامه خصوصی سازی در صنعت نفت از سوی انحصار های فراملی عنوان می گردد و مدافعان داخلی آن نیز بر تبلیغات خود افزوده اند و راه چاره را چوب حراج زدن به منبع اصلی ثروت ملی کشور واکرد می کنند. و همزمان با این برنامه ها، خیر برگزاری کارگاه آموزشی و سلسله دوره های تخصصی خصوصی سازی که از سوی بانک جهانی در تهران بر پا شده است، منتشر گردید. روزنامه کیهان، ۱۹ آذر ماه، در این باره با شور و شادی و تایید نوشت: «رییس سازمان خصوصی سازی از برگزاری کارگاه و دوره آموزشی تحت عنوان «به سوی عمل خصوصی سازی» با حضور کارشناسان و مدرسان بانک جهانی خبر داد. در جلسه همگانی اول این کارگاه با عنوان تعریف خصوصی سازی، فرصت ها و چالش های برنامه خصوصی سازی ایران و چالش های کلیدی و نیز چالش های بخش مالی مورد بررسی قرار گرفت. چگونگی رسیدن به خصوصی سازی نظیر فروش های راهبردی، سرمایه گذاران خارجی و مسایل اصلاح ساختار، نیروی کار و قابلیت های تجارت از موضوع های اصلی جلسه دوم خواهد بود...»

در کنار اینها و به موازات حضور کارشناسان و متخصصان بانک جهانی برای تعلیم و تدریس خصوصی سازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی شرایط هفتگانه اجرای اصل ۴۴ و کامیابی در خصوصی سازی را رسماً اعلام کرد. یکی از این هفت پیش شرط، بازنگری در قوانین و مقررات فعلی خصوصی سازی مطابق با استانداردهای بانک جهانی و تدوین قانونی جامع و واحد برای خصوصی سازی عنوان شده است.

به این ترتیب آینده صنعت ملی نفت ایران، این نماد استقلال ملی کشور، با سیاست های ضد ملی رژیم ولایت فقیه با چالش های جدی روبرو است!

اطلاعیه دبیر خانه حزب توده ایران
مبارز راه بهروزی توده های زحمتکش
افغانستان دیده بر جهان فرو بست



شخصیتی
انسان دوست
و دانشمند،
مبارزی
خستگی
نایزیر و
وفادار به امر
مردم و
زحمتکشان
افغانستان، در
۱۴ آذر ماه
۱۳۸۵ پس از
ماه ها
بیماری

جانکاه در بیمارستانی در آلمان دیده بر جهان فرو بست. رفیق محمود بریالی فارغ التحصیل اقتصاد بین المللی از دانشگاه مسکو بود. وی در بازگشت به میهن نقش فعالی در ساختن جامعه ای ترقی خواه و آزادی دوست و عدالت پرور به عهده گرفت و در مبارزه با تسلط واپس گرایی و بیگانگان بر کشور از هیچ کوششی فرو گذار نکرد.

نقش برجسته رفیق محمود بریالی در خدمت به خلق محروم و زحمتکش افغانستان احترام و محبت ویژه ای را نزد مردم زحمتکش افغانستان و رفقا و دوستانش پدید آورده است.

یاد و خاطره تلاش های ارزشمند رفیق بریالی در خدمت به محرومان جامعه، در راه پی ریزی مبانی دموکراسی و ایجاد جامعه ای آزاد و آباد در میهن رنجدیده اش از صمیمی ترین نمونه های تاریخ است. ما این ضایعه دردناک را به خانواده، رفقا و دوستان رفیق بریالی صمیمانه تسلیت می گوئیم. یادش گرامی باد.

دبیر خانه حزب توده ایران
۱۸ آذر ماه ۱۳۸۵

آزادی برای همه
زندانیان سیاسی ایران!

ادامه سیاست های خطرناک امپریالیسم ...

اثر سیاست های ارتجاع در تنگنای جدی قرار گرفته و دستاویزی به استعمارگران برای مداخله در امور کشور ما داده است. حزب توده ایران بنابه سیاست اصولی خود همواره خواستار تامین حقوق و منافع ملی از جمله حق دست یابی به فن آوری هسته ای برای مقاصد صلح آمیز بوده و در کنار سایر احزاب، سازمان ها و شخصیت های مردمی و ملی و آزادیخواه در این راه مبارزه کرده است. در عین حال ما همیشه و با صراحت تاکید کرده ایم، تنها با اتکاء به اراده مردم و حکومتی متکی به این اراده قادر خواهیم بود از منافع و حقوق خود دفاع کنیم. رژیم ولایت فقیه نشان داده است نسبت به حقوق و سرنوشت کشور مسئولانه عمل نکرده و نمی کند و از این رو با ادامه سیاست های کنونی از سوی دولت احمدی نژاد، خطرات جدی میهن ما را تهدید می نماید که قطعنامه اخیر شورای امنیت یکی از نمونه های آن بوده و می تواند مقدمه تحریم های بیشتر و اقدامات حاد دیگر باشد. فراموش نکنیم اعزام ناوگان گسترده نظامی امپریالیسم آمریکا به منطقه خلیج فارس، در اوضاع بغرنج حاکم بر منطقه و در آستانه تصویب قطعنامه تحریم ایران، معنای روشن و معینی دارد.

حزب توده ایران قبلاً اعلام کرده است و تأکید می کند که با اعمال هرگونه تحریمی بر ضد ایران، که ضررش بیش از همه به مردم ما خواهد رسید شدیداً مخالف است. راه حل رفع بحران کنونی از طریق تشدید آن نیست. برخلاف ادعاهای دولت ایران که تحریم های خارجی اثری بر ایران نخواهد داشت تجربه گذشته، خصوصاً اعمال تحریم های گسترده بر ضد عراق، پیش از یورش امپریالیسم به این کشور، نشان داد که تحریم می تواند اثرات گسترده و فاجعه باری برای مردم میهن ما به همراه داشته باشد. هشدار رئیس جمهوری چین درباره پرهیز ایران از تشدید جنگ تبلیغاتی و بررسی و پاسخ جدی به قطعنامه شورای امنیت زنگ خطر جدی است که سیاست های غیر واقع بینانه سران رژیم نه تنها به تأمین منافع مردم ما منجر نخواهد شد بلکه می تواند به آنچنان اجماع جهانی بر ضد ایران منجر گردد که به پیشبرد سیاست های امپریالیسم در منطقه و بر ضد ایران کمک شایانی برساند.

باید کوشید با اتخاذ سیاست هایی واقع بینانه و به دور از تنش زایی و ماجراجویی در راستای تامین منافع و امنیت ملی اقدام کرد تا دست های پلید مداخله جویان از میهن ما کوتاه باشد. اتخاذ سیاست های تبلیغاتی عوام فریبانه به قصد بهره برداری داخلی تنها به جنگ تبلیغاتی امپریالیسم بر ضد ایران یاری می رساند و در نتیجه سیاستی است ضد ملی. باید همه تلاش ها را به سمت آغاز مجدد مذاکرات و کاهش تشنج متمرکز کرد. همکاری و حرکت مشترک همه نیروهای آزادی خواه و ملی در جهت بسیج افکار عمومی می تواند تأثیر مهمی در موضع گیری مرتجعان حاکم داشته باشد.

های هسته ای مورد استفاده قرار گیرد به ایران خودداری کنند و سرمایه یازده شرکت و دوازده فرد مهم در برنامه های هسته ای ایران نیز می باید مسدود شود. خبرگزاری فرانسه در این خصوص با اشاره به ضمیمه متن قطع نامه تحریم، اعلام کرده است فهرست کامل موسسات و افراد مشمول تحریم نیز منتشر شده که نام شرکت هایی همچون سازمان صنایع دفاعی، سازمان انرژی اتمی ایران، شرکت پارس تراش و سازمان صنایع هوا - فضای ایران در آن به چشم می خورد. علاوه بر این در قطع نامه مذکور از مدیر کل آژانس بین المللی انرژی هسته ای خواسته شده است ظرف مدت شصت روز گزارشی به شورای حکام آژانس و شورای امنیت سازمان ملل ارائه دهد که آیا ایران تعلیق کامل و دقیق همه فعالیت های ذکر شده در قطعنامه را پذیرفته و عملی ساخته است یا خیر. در صورتی که تا ۴ اسفند ماه سال جاری جمهوری اسلامی درخواست های این قطعنامه را اجرا نکند شورای امنیت اقدام های دیگری را بر اساس ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل انجام خواهد داد که مطمئناً به دامنه و میزان تحریم ها افزوده خواهد شد.

احمدی نژاد، در واکنش به صدور این قطعنامه، در جریان اولین "جشنواره ملی کارآفرینان برتر شاهد وایثارگر سراسر کشور" اعلام کرد: "به بهانه این کاغذ پاره می خواهند در صفوف منسجم ملت ایران رخنه ایجاد کنند. چه بخواهند و چه نخواهند ما هسته ای هستیم." نمایندگان مجلس نیز روز یکشنبه ۳ دی ماه سال جاری، دو فوریت طرح الزام دولت به تجدید نظر در همکاری با آژانس بین المللی انرژی هسته ای را به تصویب رسانده که سپس به عنوان مصوبه از سوی شورای نگهبان نیز تأیید گردید. این مصوبه بلافاصله با موضع گیری تند و تهدید آمیز کاخ سفید روبرو شد. در عین حال برخی اخبار نیز از آمادگی برای راه اندازی ۳۰۰۰ سانتریفیوژ حکایت می کند. پس از رای شورای امنیت به قطعنامه تحریم ایران، روزنامه فاینشیل تایمز، در تحلیلی پیرامون این قطع نامه از جمله اعلام داشت: "تنها تحریم در زمینه نفت می تواند ایران را وارد به پذیرش درخواست های جامعه جهانی کند. میزان صادرات ایران ۲/۷ میلیون بشکه در روز است که می تواند از طریق نفت کشورهای عرب به رهبری عربستان سعودی جایگزین شود، نفت ۹۰ درصد کل صادرات ایران را تشکیل می دهد. این کشور هم چنین ۱/۳ بنزین مورد نیاز خود را وارد می کند."

در چنین اوضاع خطیری و دشواری، راه تامین منافع و امنیت ملی کشور تامین حقوق اساسی مردم ایران است. اتکاء به نیروی مردم نیز نه با شعارهای عوام فریبانه و تبلیغات دروغین بلکه بوسیله اعمال اراده مردم و حاکمیت متکی بر این اراده قابل وصول بوده و تضمینی پایدار در برابر مقاصد تجاوز کارانه و مداخله جویانه امپریالیسم به ویژه آمریکا پدید می آورد. رژیم ولایت فقیه و دولت برگمارده ارتجاع با اتخاذ سیاست سرکوب فشار، اختناق و ماجراجویی آنچنان وضعیتی را فراهم ساخته اند که میهن ما را آسیب پذیر ساخته و در یک دوران پر تلاطم تاریخی با خطرات بزرگ مواجه کرده است.

بر خلاف تبلیغات سران رژیم دست یابی به فن آوری هسته ای برای مقاصد صلح آمیز که از جمله حقوق غیر قابل انکار کشور ماست در

ادامه حزب کمونیست بولیوی ...

راه مطرح کردن خواسته های برآورده ناشدنی، و به کار بردن زبان شبه چپ با هدف گمراه کردن کردن توده ها.

• ناگفته نماند که **تعطل ها و اشتباه هایی نیز از سوی خود دولت صورت می گیرد که موجب بدبینی و سرخوردگی مردم می شود. تضادها و ناهماهنگی های موجود میان دولت مرکزی و مشاوران نزدیک رییس جمهور، سبب گندی اجرای اقدام های انقلابی مورد درخواست توده ها می شود.** همچنین، شبه انقلابی ها یا فرصت طلب ها و مدافعان مؤسسه های فراملی کازاری را برضد نیروهایی به راه انداخته اند که خواستار پیشبرد برنامه آزادی اجتماعی و ملی هستند.

• نیز باید گفت که نوعی عدم توانایی در تدوین یک شیوه مدیریتی موفق دیده می شود که وجود بوروکرات های به جا مانده از رژیم های نولیبرالی پیشین، یا فرصت طلب هایی که خود را به "جنبش به سوی سوسیالیسم" می چسبانند، این وضع را وخیم تر هم می کند.

افزون بر این ها، مجمع قانون اساسی که در مردادماه امسال (اوت ۲۰۰۶) تشکیل شد، صحنه مهم دیگری است که در حال حاضر نبرد جانانه ای بر سر منافع [طبقات و لایه های مختلف] در آن جریان دارد. محافظه کاران، با استفاده از بهانه چگونگی محاسبه درصدها در جریان رأی گیری های مجمع، به دنبال سنگ اندازی در روال کار مجمع هستند. هدف از این تلاش ها فقط حفظ سازمان نولیبرالی گذشته است. اما این بحث و جنجال "قانونیت و دموکراسی" فقط پوششی است برای سد کردن فرایند دگرگونی های ساختاری. به راه انداختن مقاومت ناحیه ای، واکنش از پیش طرح ریزی شده ای است در برابر اقدام های ژرف و دوراندیشانه ای که قانون اساسی جدید به سود کارگران شهرها و روستاها و برای حق تعیین سرنوشت جمهوری تضمین و تأمین خواهد کرد.

با این وجود، این فرایند [اصلاحات] در کشور هنوز نوباست. هنوز امکان اصلاح هدف ها، بهبود مدیریت، تعیین آماج های مشخص و روشن، و تصفیه دولت از خرابکاران و دشمنان پنهانی وجود دارد. توده ها روشن بینی ضرور برای طرد مقاصد بر هم زنده نظم و ایجاد اغتشاش در میان نواحی و به خطر افتادن وحدت ملی را از دست نداده اند.

گرایش های عمده در این فرایند عبارتند از:

• عرصه اقتصادی، بیشتر تحلیل گران محافظه کار این طور وانمود می کنند که اوضاع نه فقط باثبات است بلکه گرایشی نیز به سوی بهسازی های پایدار وجود دارد. اگرچه حسابرسی شرکت های نفتی بین المللی فعال در کشور هنوز تکمیل نشده است، اما قرارداد های جدیدی با بیشتر آنها بسته شده است. این وضع موجب ایجاد یک شرایط امن قانونی تحت رژیم تازه ای شده است که درآمد دولت بولیوی را در حوزه های عمده ۳۲ درصد افزایش می دهد. این افزایش درآمد، مازاد پولی چشمگیری برای دولت در بر خواهد داشت که دولت می تواند از آن برای اجرای وظایف مهمی که در آینده به عهده دارد، سود ببرد.

• در صنعت معدن، بحران ناشی از برخورد های خونین بین کارگران تعاونی و اتحادیه در شهر هوانوبی در اوایل ماه اکتبر گذشته، پس از تعویض وزیر معدن، منجر به وضع خط مشی تازه ای شد که تجدید نظر در بودجه "شرکت معدن کاری بولیوی" (COMIBOL) را به دنبال داشت. در نتیجه، ۳۰۰۰ کارگر جدید به این بنگاه صنعتی ملحق شدند، و این چالشی است که نیروهای چپ می بایست به پیامدهای سازمانی، ایدئولوژیکی و سیاسی آن توجه کنند.

در صحنه اجتماعی، به استخدام بی قاعده و قانون کارگران خاتمه داده شده است، و معدودی از اختلاف ها و کشمکش های اجتماعی (از جمله آموزگاران، رانندگان کامیون و زندانیان) حل و فصل شده اند. در پرتو مازاد درآمد ایجاد شده بر اثر تدوین و اجرای قراردادهای تازه با شرکت های فراملی گاز در نتیجه ملی کردن منابع هیدروکربنی، چشم اندازهای اقتصادی تازه ای پدید آمده اند.

فرایند موسوم به "انقلاب دموکراتیک و فرهنگی" به سمت گیری قاطع و راهبردی، بدون هیچ سازی در راه آزادی، نیاز دارد.

بر اساس آنچه بیان شد، حزب کمونیست بولیوی، مردم کشور، طبقه کارگر شهر و روستا، و جوانان و روشنفکران انقلابی را فرا می خواند که نیروهای خود را حول محور دفاع از دموکراسی و وحدت ملی و با این شعار گرد هم آورند:

برقرار باد اتحاد میان جبهه انقلابی و جبهه مردمی، بر ضد ارتجاع!

سرمایه داری و وابستگی را دنبال نمی کنند. کنگره نهم موضع پیکار کمونیست ها در حرکت به سوی فرایندی دموکراتیک تر و مردمی تر، ضد الیگارشی، و ضد امپریالیستی در بولیوی را، به عنوان تضمینی برای یک دوره گذار به سوی شکلی برتر از سازمان اجتماعی مجدداً مورد تأکید قرار داد، که فرایندی است برای احیای سرزمین مادری و سرآغاز یک رژیم سوسیالیستی.

کنگره نهم به ارزیابی خطرهایی پرداخت که این فرایند را تهدید می کنند، و به ویژه به اقدام های کارشکنانه نیروهای راستگرا، و به خصوص طبقات حاکم در ناحیه شرقی کشور، از راه گسترش فعالیت گروه های نوافشیتبست توجه کرد. کنگره به ضرورت افشا و توضیح وضعیت برای مردم و نیروهای مردمی اشاره کرد، به ویژه در ناحیه شرقی، و به منظور جلوگیری از سردرگمی و آشفتگی فکری مردم توسط شعارهای محلی و گرایش های جدایی خواهانه ای که خود را در پشت ماسک خودمختاری ناحیه ای پنهان می کنند. در این چارچوب، ضروری است که حزب، دوستان حزب در جبهه چپ، و نیز نمایندگان "جنبش به سوی سوسیالیسم" در مجمع قانون اساسی، با درک عمیق وضعیت ملی، همگام با یکدیگر عمل کنند.

دستیابی به گسترده ترین اتحاد در میان نیروهای چپ، سندیکاها و اتحادیه های کارگری، و دیگر نیروهای اجتماعی در یک جبهه مستحکم سیاسی ضد نولیبرالیسم ضروری است؛ جبهه ای که می بایست روش های آمرانه در اداره داخلی دولت، در مؤسسه های دولتی و در خود سازمان های اجتماعی را طرد کند. کنگره نهم همچنین بر ضرورت آغاز پیکار ایدئولوژیکی گسترده ای که بسیار فراتر از شعبه های داخلی خودش می رود، به منظور بسیج نیروهای مردمی برای دستیابی به اهداف تازه پیشرفت اجتماعی، دموکراسی واقعی، و استقلال جمهوری تأکید کرد.

امروزه بولیوی با وضعیت حساس و پیچیده ای رو به روست که خطری جدی برای ادامه فرایند دموکراتیک موجود محسوب می شود. عوامل مشخصه این وضع عبارتند از:

• مقاصد کارشکنانه هدایت شده از سوی امپریالیسم آمریکا که توسط الیگارشی ناحیه شرقی کشور و احزاب دست راستی راهبری می شوند؛ اعتصاب ها و دست از کار کشیدن ها، دسته بندی های مقام های دولتی برضد دولت "جنبش به سوی سوسیالیسم" و تشکیل کمیته های مدنی که در برابر قدرت رییس جمهور مورالس عرض اندام می کنند؛ اعلام تشکیل یک مجمع قانون اساسی دیگر به موازات مجمع موجود و حتی اجرای همه پرسی های محلی با هدف جدایی طلبانه.

• اعتصاب های "مدنی" برای مجبور کردن اهالی چهار استان کشور به فلج کردن اقدام های در حال انجام. سازمان دهی دسته های مسلح به منظور انجام اقدام های خرابکارانه، با هدف فروربردن کشور در هرج و مرج.

• نقشه های نیروهای ارتجاعی راست برای تحمیل یک جنگ داخلی جدایی طلبانه. گرد هم آمدن دوباره نیروهای پارلمانی پیشین، که در ناحیه شرقی ردیابی و شناسایی شده اند، جایی که عناصر خارجی خود را برای ارتکاب اعمال جنایتکارانه برضد همان نیروهای جدایی طلب آماده کرده اند تا با اجرای عملیات خرابکارانه بر ضد تأسیسات مهم، دولت را مورد سرزنش قرار دهند.

• افزایش حضور نیروهای نظامی آمریکایی در پایگاهی به نام "قرارگاه عملیاتی پیشرو" در استیگاریبیا در کشور پاراگوئه. امپریالیسم آمریکا در تدارک استفاده از سازوکارهایی متفاوت، از جمله سازوکارهای دیپلماتیک به منظور تسهیل دخالت در [کشور] و اشغال سرزمین بولیوی، با توسل به "مشور دموکراتیک" اتحاد پان آمریکان است [اشاره به منشور همکاری های متقابل ۳۵ کشور عضو "سازمان کشورهای آمریکایی" - از جمله ایالات متحد آمریکا].

• نفوذ به درون سازمان اتحادیه ها و سندیکاها و جنبش های اجتماعی به منظور ایجاد جو هرج و مرج و اداره ناپذیر کردن آنها از



اساسی سرازیر شدن آرا به سود ایوو مورالس، خواسته های اجتماعی طبقه های اجتماعی مردمی برای استقلال، اعتبار و شأن ملی، و تاکید بر اتحاد یک موضع روشن ضد امپریالیستی بود.

همان طور که در کنگره نهم حزب کمونیست بولیوی در تیرماه امسال (ژوئیه ۲۰۰۶) اشاره شد، دولت ایوو مورالس گام های متعددی برداشته است که نشانگر حرکت های مهمی به پیش است، از جمله بازپس گرفتن حق مالکیت منابع گاز، امضای توافقنامه هایی مهم با دولت ونزوئلا برای بهره برداری صنعتی از ذخایر گاز، تصمیم به توزیع زمین های دولتی در میان بی زمین ها، و لغو مالکیت خصوصی و غیرمولد زمین. دولت همچنین کارزارهای گسترده ای را برضد بی سوادی و در راه تامین مراقبت های پزشکی برای کسانی که تا کنون دسترسی به این گونه مراقبت ها نداشتند، آغاز کرده است. اشاره به همکاری های برادرانه دولت کوبا در هر دوی این موارد حائز اهمیت است. همچنین باید گفت که دولت مورالس در توافقنامه های مهمی نیز شرکت کرده است که از جمله می توان به "گزینه بولیویایی برای آمریکا" (ALBA)، و "معاهده تجاری مردم" (TCP)، اشاره کرد. دولت مذاکره با مرکوسر (بازار مشترک جنوب) را نیز آغاز کرده است، در ضمن این که موافقتنامه های تجارت آزاد را که پیش تر برضد منافع مردم به بولیوی تحمیل شده بود، مردود اعلام کرده است. و بالاخره این که، باید متذکر شد که دولت کنونی عزم آشکاری برای اداره یک دولت صادق از خود نشان داده است که با توجه به تجربه های منفی به جا مانده از رژیم های نولیبرالی از سال ۱۹۸۵ به بعد، ویژگی برجسته ای است.

اما این اقدام های مثبت هنوز فراتر از یک برنامه دموکراتیک و مترقی نمی روند، و هنوز به طور جدی هدف گسستن از الگوی

ادامه در صفحه ۷

حزب کمونیست بولیوی:

برقرار باد اتحاد میان جبهه انقلابی و جبهه مردمی، بر ضد ارتجاع

پیروزی ایوو مورالس در انتخابات ریاست جمهوری بولیوی مرحله جدیدی از جوش و خروش جنبش چپ این کشور، و مبارزه نیروهای ضدامپریالیست در آمریکای لاتین را رقم زد. برداشت دقیق نیروهای انقلابی از این پروسه ماهیتاً جدید، و وظایف کمونیست ها در قبال چنین تحولاتی اهمیت بسزائی در تجهیز تئوریک و سیاسی جنبش های ترقی خواهی و پیشرفت در کشورهای "جهان سوم" دارد. در مقاله زیر متن سخنرانی رفیق "ایگناسیو مندونزا" دبیرکل حزب کمونیست بولیوی، در اجلاس سالانه احزاب کمونیست- کارگری، در آبان ماه جاری در لیسبون، پرتغال، از خوانندگان "نامه مردم" می گذرد.

پس از رییس جمهور شدن ایوو مورالس در روز ۶ بهمن ۸۴ (۲۶ ژانویه ۲۰۰۶)، بولیوی دوره مهمی از جریان های ژرف مردمی، ضد الیگارشی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک را آغاز کرده است. این روند با طرد الگوی نولیبرالی از سوی مردم شروع شد، الگویی که قرار غیرمردمی شماره ۲۱۰۶۰ [به منظور اجرای سیاست های بازار آزاد، که در میانه دهه ۸۰ میلادی تهیه شد] را به کشور تحمیل کرده بود، چیزی نبود جز نمونه بولیویایی به اصطلاح "توافق واشنگتن" [اشاره به نسخه هایی که مؤسساتی مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای سیاست های کلان اقتصادی کشورهای ورشکسته تجویز می کنند] که زیر بنای ایدئولوژیکی و اقتصادی نو لیبرالیسم است.

در بیست سال گذشته، نامساعد تر شدن شرایط برای طبقه کارگر و از دست رفتن حقوق بنیادی آن، افزایش بیکاری، و وخیم تر شدن وضعیت زندگی، به رشد آگاهی بی منجر شده است که خود را به صورت اقدام های مشخص و معینی نشان می دهد. "جنگ آب" که در بهار سال ۲۰۰۰ در کوچامبا رخ داد، نقطه چرخشی در این پیکار بود که از راه یک مبارزه توده ای توانست شرکت فراملی مالک منابع آب آن منطقه را از آنجا بیرون براند. چندی بعد، جنبش های مردمی در سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۰، ژانویه ۲۰۰۲ و فوریه ۲۰۰۳ جامعه بولیوی را از ریشه تکان دادند. طی این رویدادها، واکنش خشمگین مردم برضد مالیات های اعمال شده بر درآمدها بالا گرفت، که به شورش پلیس و در نهایت به یک مقابله خونین منجر شد.

این روند، شکل گیری یک وضعیت آشکارا انقلابی را به دنبال داشت، که در اکتبر سال ۲۰۰۳، برای حل بحران سیاسی کشور، در درجه اول خواستار تعویض رییس جمهور سانچز دو لوزادا شد که به عنوان پیش کسوت واقعی الگوی نولیبرالی حاکم شناخته می شد. توده ها موضوع به دست گرفتن ذخایر گاز به نفع مردم بولیوی، برگزاری همه پرسی در مورد تعیین سیاست های گازی جدید، و فراخواندن مجمع قانون اساسی برای تدوین یک قانون اساسی جدید برای کشور را نیز در دستور کار قرار دادند. با این خواسته ها بود که جنبش های توده ای می توانستند رییس جمهور نو لیبرال کشور را از قدرت برکنار کنند. با این وجود، این خیزش مردمی نتوانست نمایندگان کلیدی دولت نولیبرالی را به کل جایگزین کند. پیامد کار یک رژیم نولیبرالی "کمرنگ" بود. اما هم در اکتبر ۲۰۰۳ و هم در ژوئن ۲۰۰۵ پارلمان بولیوی فقط تغییرات ریاست جمهوری را تصویب کرد، و نشان داد که در حالی که احزاب سیاسی سنتی در یافتن راه حل برای بحران ژرف سیاسی حضوری ندارند، اقدام ها و جنبش های توده ای کماکان نیروی محرک حقیقی برای دگرگونی های سیاسی اند. بی آبرویی احزاب دست راستی و محافظه کار و بی اعتباری و فساد فزاینده در میان آنها، منجر به انزوای آنها و طرد آشکار آنان از سوی مردم شد. احزاب چپ نیز نقش مهمی در شکل گیری نهایی رخدادهای نداشتند، و جنبش های اجتماعی جای آنها را گرفته بودند.

ایوو مورالس، نامزد "جنبش به سوی سوسیالیسم" با به دست آوردن ۵۳٪ درصد آرای مردمی برنده انتخابات آذرماه سال گذشته (دسامبر ۲۰۰۵) شد، و سخت ترین شکست در پنجاه سال گذشته را به احزاب دست راستی وارد کرد. پیکار مردمی به تجمع نیروها و رشد آگاهی ای منجر شده بود که خواستار دگرگونی های واقعی و پایان دادن به نو لیبرالیسم بود. به بیان دیگر، دلیل اصلی و

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 755
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

6th January 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse